

جنگ شناختی و جهاد تبیین با تکیه بر قرآن

سید جلیل حلیمی^۱

چکیده

پژوهش پیش رو به بررسی جنگ شناختی و جهاد تبیین با تکیه بر قرآن پرداخته است. در این پژوهش ابتدا به بیان مقدمات و کلیات پیرامون جهاد تبیین و جنگ شناختی و مفهوم‌شناسی این دو کلید واژه مهم و برخی از کلیدواژه‌های دیگر پرداخته شده است. همچنین به ابعاد جهاد تبیین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهداف جهاد تبیین ایشان پرداخته شده است. این جهاد تبیین دارای الزاماتی است که این الزامات در سه گانه اخلاقیات، عقلانیت و استدلال بیان شده است. همچنین روش‌های جهاد تبیین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در دو گانه جهاد تبیین دفاعی و ایجابی تفصیل داده شده است. از نتایج این پژوهش این است که جهاد تبیین که از سوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و با ریشه در آیات قرآن انجام شده است، نه تنها به شکل عکس العملی (دفاعی / سلبی) بلکه به شکلی کنش پیشگیرانه (ایجابی / تهاجمی) نیز انجام می‌شده است. حتی می‌توان جهاد تبیین پیشگیرانه را که عمدتاً در پژوهش‌ها از آن غفلت می‌رود، و غفلت شده است هم‌تراز و گاه پربسامدتر از جهاد تبیین دفاعی و عکس العملی شمرد.

کلیدواژه: جهاد تبیین، جنگ شناختی، سیره رسول خدا، قرآن.

مقدمه

در اعماق تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، می‌توان ردپای تلاش‌های پیوسته پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را برای تبیین حقایق و مقابله با شبهات مشاهده کرد. جهاد تبیین، یکی از مهم‌ترین ابعاد رسالت نبوی است. این پژوهش با هدف بررسی دقیق و عمیق شیوه‌های جهاد تبیین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر جنگ شناختی که در زمان ایشان رواج داشت با تاکید بر آیات قرآن، به دنبال کشف ابعاد پنهان و ناشناخته‌ای از این مسئله مهم است. جنگ شناختی، پدیده‌ای است که از زمان‌های دور همواره جوامع بشری را تهدید کرده است. در دوران رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز دشمنان اسلام از طریق شایعه‌پراکنی، تحریف حقایق و ایجاد تفرقه، تلاش می‌کردند تا مانع گسترش اسلام شوند. در این میان، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف و با اتکا به وحی الهی، به مبارزه با این جنگ شناختی پرداختند.

جنگ شناختی به ویژه در دنیای امروز که رسانه‌ها نقش بسیار مؤثری در شکل‌دهی افکار عمومی دارند، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. دشمنان اسلام با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای سعی دارند تا باورهای غلط را در ذهن مردم نهادینه کنند. بنابراین، جهاد تبیین باید به عنوان یک ابزار مؤثر برای مقابله با این جنگ شناختی مورد توجه قرار گیرد.

^۱ s.jalilhalimi@gmail.com

^۱ طلبه سطح ۳ و ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

این پژوهش از نوع کاربردی است، زیرا هدف آن، بررسی و تبیین جهاد تبیین پیامبر اکرم (ص) در مقابله با جنگ شناختی دشمن و ارائه راهکارهایی برای مقابله با این نوع جنگ در شرایط معاصر است. رویکرد اصلی این تحقیق کیفی است. در این پژوهش، از روش تحلیل محتوا برای بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) استفاده شده است.

در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلفی مانند آیات قرآن کریم، روایات و سیره پیامبر اکرم (ص)، کتب تاریخی و تفسیری و مقالات علمی مرتبط با موضوع استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف، با استفاده از روش تحلیل محتوا، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

درباره جهاد تبیین و جنگ شناختی به تنهایی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. بر اساس بررسی داده‌های پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز) حدود ۳۰ مقاله در عنوان خود از اصطلاح «جنگ شناختی» استفاده کرده‌اند.^۱ همچنین حدود ۶۵ مقاله در عنوان خود از اصطلاح «جهاد تبیین» بهره برده‌اند.^۲ در هر دو مورد، اولین پژوهش در سال ۱۳۹۹ نشر یافته که نشان از جدید بودن این دو مساله در میان پژوهشگران است. برخی کتب نیز به طور مستقل به بررسی این دو اصطلاح پرداخته‌اند که بخصوص در حوزه جهاد تبیین بسیار محدود است.^۳

۱. عناوین شماری از مقالات:

- ا. جنگ شناختی و چالش هویت‌ها
- ب. نگاه دیگران؛ مقابله با جنگ شناختی: آگاهی و تاب‌آوری
- ت. جنگ شناختی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (مفاهیم، تعاریف و مصادیق)
- ث. نشست تخصصی؛ بررسی ابعاد پنهان جنگ شناختی و ترکیبی اغتشاشات اخیر
- ج. وجوه تشابه جنگ شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی
- ح. تحلیل؛ جنگ شناختی و اصول راهنمای آن در عصر اطلاعات
- خ. تحلیل؛ مدل روسی جنگ شناختی: مورد مداخله در انتخابات آمریکا
- د. هاسبارا، ماشین جنگ شناختی یا هنر فریب
- ذ. جنگ شناختی بنی امیه علیه قیام امام حسین علیه السلام
- ر. بررسی تاثیر آموزش مؤلفه‌های جنگ شناختی بر روی میزان انگیزش شغلی کارکنان نظامی
- ز. جنگ شناختی؛ آخرین الگوی دشمن برای حکمرانی بر جهان
- س. واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تاکید بر آموزه های قرآن
- ش. بررسی جنگ شناختی و جهاد تبیین در گزارش قرآنی داستان حضرت موسی علیه السلام و دلالت‌های آن در عصر حاضر

۲. عناوین شماری از مقالات:

- ا. جهاد تبیین
- ب. روشی نو برای جهاد تبیین حجاب
- ت. مبانی قرآنی گفتمان انقلاب اسلامی (جهاد تبیین) و مقایسه آن با گفتمان لیبرالیسم
- ث. کاربست نرم افزاری فضای مجازی در جهاد تبیین
- ج. نقش جهاد تبیین در عبور از بحران جمعیت
- ح. الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت
- خ. کارکردها و پیامدهای جهاد تبیین در بین المللی شدن الگوی مقاومت از دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای
- د. واکاوی جهاد تبیین: پژوهشی مبتنی بر تحلیل مضمون در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)
- ذ. حضرت زینب علیها السلام قهرمان جهاد تبیین
- ر. تبیین مولفه‌های وعده نصرت الهی در قرآن مبتنی بر جهاد تبیین مقام معظم رهبری
- ز. تحلیل اهمیت و ابعاد ضرورت جهاد تبیین در بیانات مقام معظم رهبری با نگاهی بر روابط خارجی ج.ا.
- س. واکاوی شیوه‌های مقابله با نفوذ دشمن در جهاد تبیین مبتنی بر آموزه‌های صحیفه سجادیه
- ش. جهاد تبیین در مدیریت شهری با رویکرد سیاستگذاری فرهنگی

۳. برای نمونه:

دو پایان‌نامه به‌تازگی و با عنوان‌های نزدیک‌تری تدوین شده است: «بررسی و تحلیل راهبرد جهاد تبیین در مقابله با جنگ شناختی دشمن از منظر آموزه‌های دینی (مرادی، ۱۴۰۲)» و «بررسی مفهومی و مصداقی مساله جهاد تبیین در سیره و تقریر انبیاء الهی با نظر به شواهد قرآنی (سادات، ۱۴۰۲)». در مورد اول، جهاد تبیین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بررسی نشده است که از این جهت تفاوت زیادی با پژوهش حاضر پیدا کرد است. در مورد دوم نیز به هیچ وجه به موضوع جنگ شناختی پرداخته نشده است و جهاد تبیین رسول اکرم نیز بسیار مختصر اشاره شده است. می‌بینیم که درباره جهاد تبیین در مقابله با جنگ شناختی در سیره پیامبر اکرم مقاله یا کتابی یافت نشد. از این رو می‌توان گفت پژوهش حاضر دارای نوآوری شمرده می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. جهاد

جهاد از ریشه «ج ه د» است. این واژه در خود معانی مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی را داراست (فراهیدی، بی‌تا، ج ۳: ۳۸۶؛ شیبانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۵؛ صاحب بن عباد، بی‌تا، ج ۳: ۳۶۹؛ عسکری، بی‌تا: ۶۹؛ ابن فارس، بی‌تا، ج ۱: ۴۸۶؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۲۰۸؛ زمخشری، بی‌تا: ۱۰۶). در نظام معنایی قرآن، واژه‌های «قتال» و «قتل» بیشترین ارتباط معنایی را با واژه جهاد دارند، اما هرگز به‌طور کامل به معنای آن به کار نرفته‌اند. این بدان معناست که جهاد به‌عنوان معادل قتل و کشتار تلقی نشده و هدف آن بیشتر رویکردی فرهنگی و نرم‌افزاری است (کریمی‌میرعزیزی و دیگران، ۱۳۹۵).

۲.۱. جهاد تبیین

جهاد تبیین اصطلاحی است که می‌توان گفت از سوی مقام معظم رهبری نهادینه و تعریف شد. جهاد تبیین در سخنان رهبری عمدتاً به معنای تلاش برای روشن‌گری و تبیین حقایق و واقعیت‌ها در برابر جنگ نرم دشمنان و تحریفاتی است که علیه نظام اسلامی و ارزش‌های آن صورت می‌گیرد که البته ریشه در همیشه تاریخ دارد (کاوند و محمدی‌مقدم، ۱۴۰۱).

به تعبیر آیت الله خامنه‌ای، جهاد تبیین را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «آشکارسازی حقایق و بازنمودن گره‌های ذهنی با بیانی منطقی، مستدل و دور از هیاهو و جنجال، به گونه‌ای که به جان و دل بنشیند (کاوند و محمدی‌مقدم، ۱۴۰۱: ۱۶۳).

جهاد تبیین الگوی اعتدالی نگرش به مفهوم جهاد است که پیاده‌سازی راستین و اصیل مفهوم جهاد در حوزه عمل را به نمایش می‌گذارد؛ همان الگویی است که در قرآن بدان اشاره شده و در سیره پیامبران و معصومان نیز مشاهده می‌شود. جهاد تبیین، جهادی است که در آن حق را شناخته، درست فهمیده و حکیمانه تبیین می‌نمایند (کاوند و محمدی‌مقدم، ۱۴۰۱: ۱۵۸).

ا. جنگ شناختی، بعد دوم جنگ

ب. جنگ شناختی، علم پیروزی در نبرد ذهن‌ها

ت. علوم شناختی در جنگ شناختی

ث. جهاد تبیین (گردآوری بیانات رهبری)

۳.۱. جنگ شناختی

جنگ شناختی^۱ به مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌هایی گفته می‌شود که هدف آن‌ها تغییر نگرش‌ها، باورها و تصمیم‌گیری‌های افراد یا گروه‌ها از طریق دستکاری در اطلاعات و ادراک است. هدف نهایی این نوع جنگ، ایجاد تأثیرات مطلوب بر ذهن و رفتار دشمن بدون نیاز به درگیری فیزیکی است.^۲

در بسیاری از موارد میان دو مفهوم «جنگ روانی»^۳ و «جنگ شناختی» همسانی دیده می‌شود؛ حال آنکه دو چیز هستند.^۴

۱.۴. سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

از آنجا که در این پژوهش جهاد تبیین پیامبر اکرم در مقابله با جنگ شناختی مورد مطالعه است، باید مفهوم «سیره» نیز مورد بررسی قرار گیرد. در یک نگاه کلی سیره پیامبر، روش و نوع رفتار پیامبر اکرم در جنبه‌های مختلف زندگی اطلاق می‌شود (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۸-۵۴). علامه طباطبایی نیز سیره پیامبر را به آداب الهی تعبیر کرده و التزام و پای بندی به آن‌ها و آراسته شدن به ظاهر و باطن سنت نبوی را والاترین کمال و نهایی‌ترین هدف و تأمین‌کننده خیر دنیا و آخرت برشمرده است (طباطبایی، بی‌تا-ب: ۹۳).

۲. جهاد تبیین پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ شناختی، ابعاد و اهداف

۱.۲. ابعاد جهاد تبیین

بعد سیاسی

گفتار اول: برچسب زنی به جهت تخریب وجهه راهبری پیامبر؛ جنون و شعر

یکی از جنگ‌های شناختی که مشرکان مکه در ابتدای بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای مقابله با ایشان مطرح کردند، برچسب و اتهام جنون بود: «وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (قلم / ۵۱ و ۵۲)» (می‌گویند او دیوانه است در حالی که او [ایا قرآن او] چیزی جز مایه یادآوری نیست).

یکی دیگر از جنگ‌های شناختی مشرکان، تهمت شاعر بودن به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در ابتدای بعثت بود. این اتهام با اهداف مشخصی مطرح می‌شد. مشرکان با این اتهام می‌خواستند نشان دهند که قرآن کریم، کلامی الهی نیست و تنها ساخته ذهن یک شاعر است. قرآن شعر بودن خود و شاعر بودن حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را به شدت تکذیب می‌کند و مدعیان آن را دروغگو می‌داند:

«وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (یس/۶۹)» (و (ما) به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست، این (سخن) جز یادآوری و قرآن روشن نمی باشد).

^۱ Cognitive Warfare.

^۲ See: Hervé Le Guyader. Cognitive Domain: A Sixth Domain of Operations. Bernard Claverie; Baptiste Prébot; Norbou .

Buchler; François du Cluzel. Cognitive Warfare: The Future of Cognitive Dominance, NATO Collaboration Support Office, pp.3, 1-5, 2022.

^۳ Psychological Warfare

^۴ . Guyader, H. (2021). Le Domaine Cognitif de la Manipulation est Devenu un Terrain de Conflit. Paris (France): Le Monde, 6 May 2021.

پیامبر در طول عمر خود شعر نگفت تا آب در آسیاب جنگ شناختی دشمن نریزد و با یک عمل سلبی، بزرگترین جهاد تبیین را داشته باشد (طباطبایی، محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۸: ۱۰-۱۳).

گفتار دوم: گفتمان سازی ترمرد به جهت تخریب وجهه راهبری پیامبر

یکی از جهادهای تبیین ویژه پیامبر در بعد سیاسی در برابر گفتمان سازی ترمرد از سوی منافقان، در ماجرای حج بود که این بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یکبار موی سرشان را بلند کردند؛ با اینکه سیره ایشان این بوده که موی سر را به قدری بلند نمی‌گذاشتند که نیاز به باز کردن فرق سر باشد. آن یک بار را ابابصیر از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می‌کند. از امام پرسیدم: فرق باز کردن در وسط موی سر از سنت است؟ امام فرمودند: نه. گفتیم: آیا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هیچ وقت برای موی سرش فرق گذاشت؟ فرمودند: آری. پرسیدم: چگونه می‌شود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این کار را انجام دهد، حال آن‌که از سنت نباشد؟ فرمودند: "هرکس در وضعی قرار بگیرد که رسول خدا در آن وضع قرار داشت، باید مانند آن حضرت موی سرش را تفریق کند. گفتیم: آن وضعیت چه بود؟ فرمودند: وقتی رسول خدا از خانه کعبه جلوگیری شد، با این‌که شتر قربانی رانده بود و محرم شده بود، خوابی را دید که خدا در قرآن گزارش داده که: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ ... (فتح / ۲۷)» پس رسول خدا دانست که در آینده نزدیک فرامی‌رسد آنچه به وی نوید داده شده (به سلامت وارد مکه خواهد شد). لذا موی سرش را تقصیر نکرد و از زمانی که احرام بسته بود تا سال بعد همچنان موی سرش باقی بود که به ناچار نیازمند تفریق گردید؛ ولی پس از انجام عمل حج و تراشیدن موی سر، آن حضرت، دیگر موی سرش را بلند نکرد، و نه قبل از وضع نامبرده، موی سرش را می‌گذاشت که آنقدر بلند شود که احتیاج به فرق گرفتن داشته باشد (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۹ و ۱۱۰).

یکی از دلایل اینکه پیامبر چنین کرد، جهاد تبیین در برابر منافقان تندرویی بود که می‌گفتند ما باید همین امسال به حج برویم و چرا پیامبر مقابل مشرکان کوتاه آمده است؟ پیامبر با این بصیرت افزایی و شبهه زدایی به بهترین شکل توطئه جریان نفاق را خنثی کردند.

مبحث دوم: بعد اجتماعی

یکی از تاکتیک‌های کلیدی در جنگ شناختی دشمنان (مشرکان، کفار و منافقین) در عصر پیامبر، اختلاف افکنی و از بین بردن پیوندهای اجتماعی بود. طبیعی است که جهاد تبیینی که در مقابله با این جنگ شناختی از سوی پیامبر به کار گرفته می‌شد، در بعد اجتماعی و با تمرکز بر وحدت‌آفرینی بود. جنگ شناختی منافقان علیه سلمان فارسی نمونه‌ای از این دست است. منافقان در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از عنصر تعصب قومیتی علیه سلمان فارسی به شیوه‌های مختلفی بهره می‌بردند تا به اهداف شوم خود دست یابند. منافقان همواره بر اصالت عربی و برتری عرب بودن تاکید می‌کردند. آن‌ها با این کار سعی می‌کردند تا جایگاه سلمان فارسی را به عنوان یک ایرانی پایین بیاورند و او را از جمع مهاجرین و انصار جدا کنند. آنان با بزرگ‌نمایی برخی از تفاوت‌های فرهنگی و زبانی بین سلمان فارسی و دیگر مسلمانان، سعی می‌کردند تا چهره او را در نظر دیگران خراب کنند و او را فردی غریبه و بیگانه معرفی کنند. منافقان با تقویت حس غرور قومی در جامعه، سعی می‌کردند تا آن‌ها را علیه سلمان فارسی تحریک کنند.

پیداست که دیدگاه کلی اسلام به طوری که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در حجه الوداع در اوج جهاد تبیین مقرر فرمودند (ابن عبد ربّه، بی‌تا، ج ۳: ۴۰۴ و ۴۰۸؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۹۱) اینست که هیچ عربی را بر غیر عرب برتری و فضیلتی نیست جز به تقوا و پرهیزگاری. و نیز آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) هر کس را که در اسلام (از پدر و مادر مسلمان) زاده شود عرب، و هر کس را که به میل خود به اسلام درآید مهاجر شمرده است (نوری، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۸).

۳. اهداف جهاد تبیین

مبحث اول: تسلط اندیشه

در مواردی شاهدیم که دشمنان در جنگ شناختی خود با جهاد تبیین پیامبر مواجه شدند که به هدف تسلط اندیشه و دوری از خرافه و افراط و تفریط پدید می‌آمد. در نمونه‌ای قرآنی رسا و گویا، این هدف والا نشان داده شده است. «قُلْ لَا أُمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف / ۱۸۸)» (بگو من مالک سودی و زبانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و (از راه لطف بر جلب نفع یا دفع شرّ، مالک و مقتدرم گرداند). اگر غیب می‌دانستم، قطعاً منافع فراوانی نصیب خود می‌کردم (چرا که با اسباب آن آشنا بودم) و اصلاً شرّ و بلا به من نمی‌رسد (چرا که از موجبات آن آگاه بودم. حال که از اسباب خیرات و برکات و از موجبات آفات و مضرات بی‌خبرم، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهم بود؟). من کسی جز بیم‌دهنده و مؤدّه‌دهنده مؤمنان (به عذاب و ثواب یزدان) نیستم).

اهل مکه که در یک چند شناختی پیچیده می‌خواستند باور مومنان را به پیامبر متزلزل کنند گفتند ای محمد! آیا خداوند بتو خبر نمی‌دهد که قیمت کالاها چه زمانی ترقی می‌کند تا جنس خریداری کنی و سود ببری؟ آیا به تو نمی‌گوید کدام زمینی دچار خشکسالی می‌شود تا به سر زمینی برویم که گیاه آن می‌روید و نعمت آن فراوان است؟^۱ اما مواجهه پیامبر با این جنگ شناختی چه بود؟ ایشان به هدف تسلط اندیشه در افراد و با دستور الهی بر اساس قرآن، جهاد تبیین آگاه‌کننده‌ای اقامه کردند.

آیه مورد بررسی در سوره اعراف، به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌آموزد که به مردم بگویند: «من بر هیچ سود و زبانی برای خود مسلط نیستم مگر آنچه خدا بخواهد، و اگر از آینده آگاه بودم، قطعاً به دنبال بیشترین خیر برای خودم می‌رفتم و هیچ بدی به من نمی‌رسید.»

این آیه، به ظاهر، به نظر می‌رسد که علم غیب به برخی امور را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سلب می‌کند. اما با نگاهی دقیق‌تر، می‌توانیم این آیه را به عنوان یک ابزار قدرتمند برای تقویت تفکر و تسلط اندیشه در بین مردم تفسیر کنیم.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این نمونه از جهاد تبیین با بیان این جمله و به هدف تسلط اندیشه به دنبال نهادینه کردن چند نکته اندیشگانی هستند تا مردم را از سطحی‌نگری خارج سازند:

الف) تاکید بر توحید و قدرت مطلق خدا

^۱ إن أهل مكة قالوا يا محمد أ لا يخبرك ربك بالسعر الرخيص قبل أن يغلو فتشتريه فترج فيه و بالأرض التي تريد أن تجذب فترحل منها إلى أرض قد أخصبت فأنزله الله هذه الآية (فضل بن حسن طبرسی، بی‌تا، ج ۴: ۷۷۹).

(ب) نفی هرگونه ادعای خداگونه بودن

در واقع، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بیان این آیه، نه تنها به مردم یادآوری می‌کرد که به او به عنوان یک انسان برگزیده نگاه نکنند، بلکه آن‌ها را به تفکر، تعقل و عمل دعوت می‌کرد.^۱

مبحث دوم: شبهه زدایی

اما دیگر هدف جهاد تبیین، شبهه زدایی است؛ پاسخگویی به شبهات و سؤالاتی است که در مورد حقایق و واقعیت‌ها مطرح می‌شود.

در اهمیت شبهه زدایی همین بس، مانع از نفوذ اندیشه‌های باطل و ایجاد تفرقه در جامعه می‌شود. اینک به بزرگترین جنگ شناختی منافقین در زمان رسول خدا و بزرگترین جهاد تبیین پیامبر با هدف شبهه زدایی اشاره خواهیم کرد.

موضوع جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از ایشان، یکی از مهم‌ترین مسائلی بود که در دوران حیات پیامبر و پس از رحلت ایشان، جامعه اسلامی را به خود مشغول کرد. منافقان، که همواره در پی تضعیف اسلام و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بودند، از این موضوع به عنوان ابزاری برای ایجاد شبهه و تفرقه استفاده کردند. شبهه اصلی که منافقان مطرح می‌کردند، این بود که انتخاب حضرت علی (علیه السلام) به عنوان جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امری احساساتی و برخاسته از علاقه عاطفی پیامبر به حضرت علی (علیه السلام) است. آن‌ها سعی می‌کردند تا با این شبهه، مشروعیت انتخاب حضرت علی (علیه السلام) را زیر سوال ببرند و آن را به یک موضوع شخصی و خانوادگی تقلیل دهند (آلوسی، بی‌تا، ج ۶: ۱۹۳).

اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در برابر این شبهه‌ها، به جهاد تبیین پرداختند. ایشان با استفاده از روش‌های مختلف، تلاش کردند تا حقایق را به مردم بفهمانند و مشروعیت انتخاب حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین خود، به اثبات برسانند. برخی از مهم‌ترین اقدامات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این زمینه عبارتند از:

- الف) اعلام رسمی جانشینی حضرت علی (علیه السلام) در غدیر خم.
- ب) تکرار مکرر این موضوع در مناسبت‌های مختلف که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مناسبت‌های مختلف، از جمله در ماجرای دار^۲ و طیر مشوی^۳ و حدیث سفینه^۴ و حدیث منزلت^۵، به موضوع جانشینی حضرت علی (علیه السلام) اشاره کردند و آن را به عنوان یک امر الهی مطرح کردند.

۴. جهاد تبیین پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ شناختی، الزامات و روش‌ها

^۱ برای مطالعه بیشتر در زمینه «آگاهی از غیب» نک: جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۵: ۲۴۵.

^۲ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيَّ وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا (طبري، بی‌تا، ج ۲: ۳۲۰).

^۳ إِنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) كَانَ عِنْدَهُ طَائِرٌ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ؛ يَأْكُلُ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّيْرِ. فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ، فَرَدَّه، ثُمَّ جَاءَ عُمَرُ، فَرَدَّه، ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ، فَأَذَنَ لَهُ (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۰۷).

^۴ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۷۳).

^۵ أَنْتَ مَتَى يَمْنُزِلُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (ابن عبد البر، بی‌تا، ج ۳: ۱۰۹۷).

۱.۴. الزامات جهاد تبیین

مبحث اول: اخلاقیات

گفتار اول: عدم دشنام

از آن جا که همه انبیای الهی ادب‌آموخته خداوند متعال می‌باشند، مسلماً پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) که گل سربسبب آفرینش است، بیش از سایر انبیا مورد توجه خاص پروردگار جهانیان می‌باشد. چنان که خود آن حضرت می‌فرماید: «أنا أديب الله»؛ من ادب‌آموخته خدا هستم (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۶: ۲۳۱). همچنین «أدبني ربّي فأحسن تأديبي»؛ پروردگارم مرا تربیت کرد و نیکو تربیت کرد (امام ششم، بی‌تا: ۱۵۷). نیز إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به تحقیق من مبعوث شدم تا مکارم (همه بزرگواری‌ها و نیکی‌های اخلاق را در تمام زمینه‌ها) تکمیل و تمام کنم (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۶: ۲۱۰).

این خلق و خوی پیامبر حتی در جنگ شناختی در برابر دشمن هم از بین نمی‌رفت. پیامبر در جهاد تبیین به نحوی الزامی بر خود واجب می‌دانستند که به دشمن هم دشنام ندهند و خلق عظیم خود را به کار گیرند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر شدیدترین حمله‌های جنگ شناختی یهود، مشرکین و منافقین، هیچ گاه دهان به دشنام باز نکردند. این خصوصیت بارز ایشان، به حضرت علی (علیه السلام) منتقل شد. در واقع به تعبیری که از حضرت نقل شد (علی ادیبی)، سیره ادب محور ایشان به علی (علیه السلام) منتقل شد. برای نمونه، معاویه و مدیران زیر دست وی که از بالاترین جنگ‌های شناختی علیه جبهه حق استفاده کردند، گاه مورد فحش برخی از اصحاب علی (علیه السلام) قرار می‌گرفتند. در گزارشی آمده است:

«هنگامی که شنید گروهی از اصحابش در جنگ صفین، شامیان را دشنام می‌گویند چنین فرمود که دوست ندارم که شما دشنام دهنده باشید. ولی اگر به توصیف اعمال و بیان حالشان بپردازید، سخت‌تان به صواب نزدیکتر و عذرتان پذیرفته تر است. به جای آنکه دشنامشان دهید، بگویید: بار خدایا خون‌های ما و آنها را از ریختن نگه دار و میان ما و ایشان آشتی انداز و آنها را که در این گمراهی هستند راه بنمای. تا هر که حق را نمی‌شناسد، بشناسد و هر که آزمند گمراهی و دشمنی است از آن باز ایستد.» (شریف رضی، بی‌تا: ۳۲۳).

دلیل این موضوع، روشن است، زیرا با دشنام و ناسزا نمی‌توان کسی را از مسیر غلط باز داشت، بلکه به عکس، تعصب شدید آمیخته با جهالت که در اینگونه افراد است، سبب می‌شود که به اصطلاح روی دنده لجاجت افتاده، در آئین باطل خود راسختر شوند، سهل است زبان به بدگویی و توهین نسبت به ساحت قدس پروردگار بگشایند، زیرا هر گروه و ملتی نسبت به عقائد و اعمال خود، تعصب دارد.

گفتار دوم: عدم فریب

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در گفتار و کردار خود، به صداقت پایبند بودند و هیچ‌گاه به مردم دروغ نمی‌گفتند. حتی در سخت‌ترین شرایط، حقیقت را به مردم می‌گفتند، هرچند که این کار ممکن بود با مخالفت برخی از آنان همراه باشد.

جالب این است که جبهه باطل و دشمنان قسم خورده پیامبر به ویژه منافقان، سعی داشتند با ایجاد جنگ شناختی، در اذهان عموم جامعه جا بیاندازند که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فردی فریبکار است تا این خصوصیت مثبت

پیامبر(صلی الله علیه و آله) را به گمان خود خنثی سازند. یکی از شایعاتی که در صدر اسلام و با هدف فریب به پیامبر نسبت داده میشد بحث تقسیم غنائم پس از جنگ حنین بود. منافقان پس از جنگ حنین اینگونه شایعه کردند که پیامبر در تقسیم غنائم به عدالت رفتار نمی‌کند. در قرآن کریم در این خصوص آمده است: «وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (توبه / ۵۸)» (و بعضی از ایشان تو را در تقسیم صدقات به بیداد متهم میکنند اگر به آنها عطا کنند خشنود میشوند و اگر عطا نکنند خشم می‌گیرند).

از سیره‌های معروف پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش و پس از اسلام، «امین بودن» بود. پیامبر(صلی الله علیه و آله) نزد مردم جاهلی نیز به امانت داری معروف بود و همه می‌دانستند ایشان اهل فریب دادن مردم و خیانت در امانت نیست. ایشان حتی از دوران کودکی و نوجوانی هم مشهور به «محمد امین» بود: «کانت قریش تسمی رسول الله قبل أن ينزل عليه الوحي الأمين (طبری، ج ۲: ۲۹۰؛ ابن هشام، ج ۱: ۲۱۰) قریش، پیامبر خدا را پیش از آن که بر او وحی فرود آید، «امین» می‌نامید.

همانگونه که پیشتر بیان شد در جنگ شناختی که دشمن در ماجرای محاصره اقتصادی و شعب ابیطالب ایجاد کرد، پیامبر و یارانش از جهات مالی در مضیقه بودند. این فشار از سوی همان کسانی وارد می‌شد که تا همان چند وقت پیش اموالشان را نزد ایشان به امانت می‌گذاشتند. پیامبر با وجود قدرت بر مصادره اموال آنان به نفع اسلام و سپس اعلام دعوت عمومی، می‌توانست با نوعی عملیات فریبکارانه دچار آن مشکلات اقتصادی نشود. اما چنین فریبی را رقم نزد تا امین همیشه تاریخ بماند.

مبحث دوم: بصیرت‌افزایی و استدلال

جهاد تبیین، به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف دینی و اجتماعی در هر عصری و در مقابله با جنگ شناختی دشمن، بیش از هر چیز بر لزوم روشنگری و آگاهی‌بخشی به جامعه و حتی خود دشمنان تأکید دارد. در این فرایند، استدلال و بصیرت‌افزایی برای طرف مقابل، دو عنصر کلیدی محسوب می‌شوند. در اسلام، مفهوم تبلیغ و دعوت به حق، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در قرآن کریم، خداوند متعال به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِّلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل / ۱۲۵)» (مردم را به سوی راه پروردگارت با منطقی حکیمانه و ادله قانع‌کننده و با پندی نیک و بیداری‌بخش و عبرت‌آموز دعوت کن و با آنان (مخالفان) به نیکوترین وجه محاجه و مجادله نما. (این وظیفه تو، و اما آنها) البته پروردگارت خود دانایتر است به کسی که از راه او گم گشته و او دانایتر است به هدایت‌یافتگان).

این امر نشان می‌دهد که استدلال و گفتگوی منطقی، بهترین راه برای رساندن پیام حق به دیگران و مقابله با شبهات و شایعات است. خدا از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مردم را به دین خدا و شریعت پروردگارت که همان اسلام است دعوت کن. این دعوت باید با حکمت، یعنی با سخنی محکم و موعظه حسنه، یعنی با عبرت‌آموزی، راهنمایی و کلامی که در دل‌ها اثر بگذارد و انسان را تحریک کند، انجام گیرد. مردم را از عذاب خدا بترساند و به آن‌ها موفقیت در دنیا و آخرت را نوید بدهد. با آن‌ها به بهترین وجهی گفتگو کند، یعنی با گفتگویی پسندیده، قانع‌کننده، همراه با نرمی و لطافت کلام، و گذشت از بدی‌های دیگران و پاسخ به بدی با نیکی. هدف از این گفتگو رسیدن به حق است نه بلند کردن صدا، دشنام دادن، تمسخر یا تحقیر کردن (زحیلی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۱۹).

در روایات اسلامی نیز بر اهمیت استدلال و ارائه دلایل منطقی برای اثبات حق تأکید شده است که نشان می‌دهد استدلال، مهم‌ترین ابزار برای دفاع از حق و مقابله با باطل است (نک: شهایی، ۱۳۴۷).
رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) این کلیت را در دو مصداق «احتجاج علمی» و «دشمن‌شناسی» در عرصه جهاد تبیین در مقابله با جنگ نرم دشمن پیاده کردند که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

گفتار اول: احتجاج علمی

به عنوان نمونه، عبد الله بن صوریّا- برده‌ای یهودی و کوژچشم که بنا به عقیده آنان در تورات و دانش انبیا متخصص بود- از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤالات بسیاری نمود تا آن حضرت را به مشکل اندازد و در یک جنگ شناختی علمی، به مردم القاء کند که ایشان از جانب خدا نیست و به این ترتیب، تردید نسبت به اسلام را در دل‌ها بیافکنند. اما آن حضرت در مقام پاسخ به آنها به گونه‌ای عمل نمود که هیچ راه گریزی برای انکار پاسخها برایش باقی نماند. ایشان در جهاد تبیین خود با رعایت الزامات بصیرت‌افزا و استدلالی با وی به نیکی مقابله کردند و به برتری دست یافتند.
آن یهودی پرسید: ای محمد، چه کسی این اخبار را از خدا به تو می‌رساند؟ فرمود: جبرئیل.

گفت: اگر جز او مثلاً میکائیل حامل وحی بود به تو ایمان می‌آوردم، زیرا جبرئیل در میان ملائکه دشمن ما است.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چرا جبرئیل را دشمن می‌دارید؟

گفت: زیرا توسط او بلا و سختی‌ها بر قوم بنی اسرائیل نازل شد، همو بود که دانیال را از کشتن بخت‌نصر منصرف ساخت تا کارش قوت گرفت، و یهودیان را از لب تیغ گذراند، و خلاصه هر بدبختی و سختی را فقط جبرئیل نازل می‌کند، در حالی که میکائیل وسیله نزول رحمت است.

فرمود: وای بر تو! آیا نسبت به حقیقت امر پروردگار جاهل و بی‌خبر شده‌ای؟ گناه جبرئیل در اطاعت فرمان خداوند در باره شما چیست؟ آیا در باره فرشته مرگ اندیشیده‌اید؟ آیا به جهت قبض روح مردم- که شما هم گروهی از آنان هستید- دشمن شما شده؟

آیا اجبار پدر و مادر به فرزند در استفاده از دارویی تلخ که به صلاح اوست، آن دو را در زمره دشمنان فرزند در می‌آورد؟ نه مسلماً این طور نیست، بلکه شما به حقیقت امر خداوند جاهل، و از حکمت و تدبیر او غافلید. من شهادت می‌دهم که جبرئیل و میکائیل هر دو عامل به امر خدا، و مطیع فرمان اویند. و من معتقدم که دشمنی با یکی از آن دو ملزم به عداوت دیگری است، و کسی که فکر می‌کند یکی از آن دو را دوست می‌دارد و از دیگری بیزار است بی‌شک کافر و دروغگو است.

و به همین ترتیب همان طور محمد و علی همچون دو برادرند که جبرئیل و میکائیل، پس هر کس آن دو را دوست بدارد از اولیاء الله است و هر که دشمنشان بدارد از اعداء الله است و هر کس یکی از آن دو را دشمن بدارد و پندارد که دیگری را دوست دارد کاذب و دروغگو است و آن دو از او بیزارند، او همین طور هر که یکی از ما را دشمن بدارد و فکر کند دیگری را دوست دارد بی‌شک کاذب است، و هر دوی ما از او بیزاریم^۱ و خداوند متعال و فرشتگان و خوبان خلق خدا از او بیزارند (احمد بن علی طبرسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۲).

در این نمونه می‌بینیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علاوه بر رعایت الزامات اخلاقی و عقلانی، الزامات بصیرتی و استدلالی متقنی را در مسیر جهاد تبیین خویش استفاده کردند. ایشان یک جنگ شناختی را به سود خود تمام کردند اما نه با مبارزه سخت؛ بلکه با جهاد تبیین.

گفتار دوم: دشمن شناسی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با شناساندن خصوصیات دشمنان به امت، پرده از انگیزه دشمنی ایشان برمیداشت و بصیرت‌افزایی می‌کرد. در ادامه به برخی از این انگیزه‌ها اشاره خواهد شد.

الف) حسادت: جایگاه رسالت رشک برانگیز است؛ چرا که لازمه تحقق بخشیدن به ندای فطرت، تسلط بر قلوب است. لذا بسیاری از کسانی که خیال تصاحب این جایگاه را در سر می‌پروراندند، با اعلام رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) احساس خطر کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جهاد تبیین خود، این مهم را به مردم ابلاغ کردند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْقُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره / ۱۰۹) «(بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حقایق اسلام بر آنها روشن شد به خاطر حسد برخاسته از وجودشان، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند. پس افعلا از ستیز نظامی با آنها درگذرید و توبیخ نکنید تا خداوند فرمان خود را صادر نماید، که خدا بر همه چیز تواناست).

ب) دنیا طلبی؛ اولویت منافع دنیوی بر حقیقت

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با جهاد تبیین خویش این حقیقت را برملا کردند: «وَأَمِنُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ. وَلَا تَلْسُؤُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره / ۴۱ و ۴۲) «(و به آنچه فرو فرستاده‌ام (قرآن) که تصدیق‌کننده آن چیزی است که با شماست (از تورات و انجیل) ایمان آورید و نخستین کافر به آن نباشید (که نسل‌های آینده به پیروی شما برای همیشه کافر شوند) و با (تحریف و اسقاط و تأویل ناروای) آیات من بهای اندکی به دست نیاورید، و تنها از من پروا کنید. و حق را با باطل مخلوط و مشتبه نکنید و حق را پنهان مسازید در حالی که می‌دانید).

فصل دوم: روش‌های جهاد تبیین**مبحث اول: روش‌های جهاد تبیین دفاعی (سلبی)**

جهاد تبیین دفاعی، به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که با هدف خنثی‌سازی حملات دشمن و دفاع از ارزش‌ها و باورهای جامعه انجام می‌گیرد. این نوع جهاد، بیشتر جنبه واکنشی دارد و به دنبال دفع تهدیدات و جلوگیری از نفوذ دشمن به درون جامعه است.

گفتار اول: تشخیص و خنثی‌سازی دروغ‌ها و شایعات

پژوهشگران تعاریف مختلفی از شایعه ارائه کرده‌اند؛ از جمله آلپرت و پستمن که می‌نویسند: «شایعه، موضوع خاصی است که برای باوراندن نزد همگان مطرح می‌شود و از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. معمولاً این انتقال به صورت شفاهی صورت می‌گیرد، بدون این‌که شواهدی مطمئن در میان باشد» (نک: مجید معارف و دیگران، ۱۳۹۵).

شاید گفته شود جهاد نظامی چه ارتباطی با جنگ شناختی دارد؟ این در حالی است که یکی از بسترهای مهم جنگ شناختی، جنگ نظامی است و جهاد تبیین در این شرایط بسیار گره گشا و بازدارنده و دفاعی خواهد بود.

کفار در جنگ احد با انتشار شایعه شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ضربه‌ای اساسی بر پیکره سپاه اسلام وارد نمودند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران / ۱۴۴)» (و محمد (صلی

اللّٰه علیه و آله) فرستاده‌ای بیش نیست که پیش از او فرستادگانی گذشته‌اند، پس آیا اگر او بمیرد یا کشته شود شما به پشت سر خود برمی‌گردید (دست از عقایدتان برمی‌دارید)؟! و هر کس به پشت سر خود بازگردد هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند، و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می‌دهد).

تحت تاثیر این شایعه، در این شرایط عده ای بسیار از مسلمانان میدان نبرد را ترک و فرار کردند (ابوالفتوح رازی، بی‌تا، ج ۵: ۹۳).

پیامبر در مواردی به وسیله جهاد تبیین دفاعی، به نبرد با جنگ شناختی از نوع شایعه‌سازی برخاستند. یکی از ساده ترین و اثرگذارترین جهادهای تبیین در این مورد، «تکذیب شایعه و ابهام زدایی» است. یکی از شایعاتی که در صدر اسلام و با هدف فریب به پیامبر نسبت داده می‌شد بحث تقسیم غنائم پس از جنگ حنین بود. گفته شده که پیامبر غنائم جنگ حنین را تقسیم می‌کرد یکی از منافقان به نام حرقوص بن زهیر معروف به ابن ابی ذی الخویصره که بعدها از سران خوارج شد، به پیامبر اعتراض کرد و گفت: با عدالت رفتار کن یا رسول الله. حضرت فرمود: وای بر تو اگر من عدالت نکنم پس چه کسی عدالت خواهد کرد؟ عمر گفت: یا رسول الله اجازه بده گردش را بزنم. حضرت فرمود: رهائش کنید (جعفری، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۱۶).

نکته مهم برای ما، نوع جهاد تبیین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با این جنگ شناختی است. اولاً اینکه پیامبر در برابر بی‌ادبی آن فرد، خشم خود را کنترل کردند. از سوی دیگر تکذیب شایعه نشان‌دهنده صداقت و شفافیت فرد است و به حفظ اعتماد عمومی نسبت به او کمک می‌کند. همچنین وقتی فردی مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شجاعانه در مقابل شایعه می‌ایستد، می‌تواند الگویی برای دیگران باشد تا در مواجهه با شایعات مشابه، واکنش مناسب نشان دهند و این سبک از جهاد تبیین گسترش یابد و ترویج شود. هرچه زودتر شایعه تکذیب شود، اثرگذاری آن کمتر خواهد بود.

گفتار دوم: تشخیص و خنثی‌سازی سوء استفاده‌های دشمن

دشمنان اسلام همواره درصدد بوده و هستند که از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسلام و مسلمین بهره ببرند. از این‌رو، اسلام به همه آحاد جامعه، هشدار می‌دهد که باید همواره در کمین بودن دشمنان را مدنظر داشته و از هر اقدامی که منجر به سوء استفاده آنان گردد پرهیز نمایند، ولو اینکه این اقدام با انگیزه‌های مثبت نیز صورت پذیرد؛ چنانکه در قرآن مجید خطاب به مؤمنان می‌خوانیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره / ۱۰۴).

ایمان آورده‌اید! (به پیامبر) نگوئید: «راعی» مراعاتمان کن، بلکه بگوئید: «انظرنا» ما را در نظر بگیر، و (این توصیه را) بشنوید و برای کافران عذاب دردناکی است).

در شأن نزول این آیه نقل است که مسلمانان صدر اسلام هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مشغول سخن گفتن بود و بیان آیات و احکام الهی می‌کرد، گاهی از او می‌خواستند کمی با تأنی سخن بگویند تا بتوانند مطالب را خوب درک کنند و سؤالات و خواسته‌های خود را نیز مطرح نمایند. برای این درخواست، جمله «راعی» که از ماده «الرعی» به معنی مهلت دادن است به کار می‌بردند. ولی یهود، همین کلمه «راعی» را از ماده «الرعونه» که به معنی کودنی و حماقت است استعمال می‌کردند (در صورت اول، مفهومش این است «به ما مهلت بده»؛ ولی در صورت دوم این است که «ما را تحمیق کن»). در اینجا برای یهود دستاویزی پیدا شده بود که با استفاده از همان جمله‌ای که مسلمانان می‌گفتند پیامبر یا مسلمانان را استهزاء کنند. این آیه نازل شد و برای جلوگیری از این سوءاستفاده به مؤمنان دستور داد به جای

جمله «را عنا»، جمله «انظرنا» را به کار برند که همان مفهوم را می‌رساند، و دستاویزی برای دشمن لجوج نیست. پیامبر با توجه دادن مسلمانان به این هشدار، از این روش دفاعی در جهاد تبیین بهره بردند (نک: مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱: ۳۸۳-۳۸۵). رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله)، تأکید زیادی روی این نکته دارند. ایشان در موارد متعدد، از سوء استفاده‌های دشمنان پرده برداشتند.^۱

مبحث دوم: روش‌های جهاد تبیین تهاجمی (ایجابی)

در جهاد تبیین تهاجمی (ایجابی)، هدف واکنش‌کردن جامعه در برابر جنگ‌های شناختی دشمن در آینده است که با هدف پیش‌دستی در مقابله با دشمن و ترویج ارزش‌ها و باورهای خودی در جامعه هدف انجام می‌گیرد. این نوع جهاد، بیشتر جنبه فعال و مبتکرانه دارد و به دنبال گسترش نفوذ و تأثیرگذاری در محیط پیرامون است.^۲

گفتار اول: درون‌گفتمانی

در حوزه درون‌گفتمانی، مخاطب اصلی مسلمانان هستند و هدف، تقویت ایمان و وحدت آن‌ها است.

تقویت وحدت و همدلی

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تأکید بر برابری و برادری میان مسلمانان، وحدت و همدلی را در جامعه اسلامی تقویت کردند. ایشان بر اساس آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (حجرات / ۱۰)» و دیگر آیات، دوبار به صورت رسمی به عقد اخوت میان مؤمنان اقدام کرد؛ بار اول پیش از هجرت میان مهاجران و بار دوم پس از هجرت و ورود به مدینه میان مهاجران و انصار صورت گرفت. این نمونه‌ای از ترویج فرهنگ اخوت و برادری توسط پیامبر اکرم بود (نک: عباسی مقدم، ۱۳۸۶، صص ۸۳-۱۵۵).

تاسیس نهادهای تبلیغی

خانه ارقم بن ابی‌الارقم، مسجدالحرام، مسجد قبا و مسجد مدینه، به ترتیب، از مهم‌ترین مراکز دعوت نبوی به شمار می‌رود. این پایگاه‌ها، مرکز نشر احکام الهی، قضاوت و داوری، جایگاه ارشاد، تعلیم و تحقیق، پایگاه آمادگی رزمی و توجیه سیاسی، محل تصمیم‌گیری و شورا، مصلا‌ی نماز جماعت و محل عبادت و اعتکاف و در یک جمله، پناهگاه هر بی‌پناه بود که برخی از کارکردهای مراکز، پایگاه‌ها و مساجد نباشد توسط رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تلقی شده است (عباسی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

گفتار دوم: برون‌گفتمانی

در حوزه برون‌گفتمانی، مخاطب افراد غیرمسلمان و گروه‌های دیگر هستند و هدف، جذب آن‌ها به اسلام و ایجاد روابط دوستانه با آن‌ها است. در این حوزه، روش‌های دیپلماتیک، مذاکره و احتجاجی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین هدف اصلی از جهاد تبیین برون‌گفتمانی، گسترش اسلام و ایجاد تمدن اسلامی است.

دعوت غیر مستقیم به اسلام

^۱ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت (۱۳۷۱/۵/۳۱)؛ بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه (۱۳۷۹/۷/۱۴).

^۲ تقسیم جهاد تبیین به ایجابی و دفاعی، از نوآوری‌های این پژوهش است. به همین دلیل به هنگام بیان اصل دسته‌بندی آن و توضیحش، ارجاع به منبع خاصی مشاهده نمی‌شود.

روان شناسان معتقدند مؤثرترین روش تربیتی روش الگویی و القای پیام به صورت غیر مستقیم است. در این روش مخاطبان فرصت می‌یابند با انگیزه و تمایل قلبی به موضوع مورد نظر توجه کرده بدون کمترین فشار ذهنی و روانی پذیرای پیام شوند (افروز، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

همین روش در سیره تبلیغی پیامبر اکرم فراوان به چشم می‌خورد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه امام علی و خدیجه در مراکز پر جمعیت مانند مسجدالحرام و منی می‌آمد و در برابر چشم مخالفان نماز دسته جمعی را برپا داشته و بدین ترتیب با آیین چندگانه پرستی مبارزه عملی و غیر مستقیم می‌کرد.^۱

دعوت به مشترکات

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مذاکره با رهبران دیگر ادیان، به دنبال ایجاد تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز بودند. در آیات قرآن و روایات و سیره پیامبر موارد متعددی از به کارگیری این روش و سبک تبلیغ به چشم می‌خورد که از باب نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلاَ نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلاَ يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران / ۶۴)» (بگو: ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر اعراض کردند بگوئید شاهد باشید که ما مسلمانیم. «وَ لا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (عنکبوت / ۴۶)» (و با اهل کتاب، جز با شیوه ای که بهتر است مجادله نکنید مگر با کسانی از آنان که ستم کردند و بگوئید: با آنچه ما نازل شده و آنچه به سوی شما نازل شده ایمان آوردیم و خدای ما و شما یکی به سوی است و ما تسلیم اویم). این آیات و موارد مشابه آن به توحید که قدر مشترک ادیان ابراهیمی است تأکید دارد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را فرمان داده که به این شیوه مجهز باشد (فضل الله، ۱۳۹۹: ۷۶).

نتایج، دستاوردها و پیشنهادها

۱. در پژوهش حاضر این نتیجه حاصل شد که جهاد تبیین تعریف شده از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل با جنگ شناختی دشمن امری برآمده از آیات قرآن است.
۲. جهاد تبیین از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ابعاد سه گانه سیاسی اجتماعی و اقتصادی رخ داده است.
۳. اهدافی که رسول خدا در جهاد تبیین خود علیه جنگ شناختی دشمن پی می‌گرفتند در سه گانه تسلط اندیشه شبه زدایی و رفع اختلاف می‌گنجد.

^۱. حدثني محمد بن عبيد المحاربي قال حدثنا سعيد بن خثيم عن أسد بن عبد الله الجلي عن يحيى بن عفيف عن عفيف قال جئت في الجاهلية إلى مكة فنزلت على العباس بن عبد المطلب قال فلما طلعت الشمس وحلقت في السماء وأنا أنظر إلى الكعبة أقبل شاب فرمى ببصره إلى السماء ثم استقبل الكعبة فقام مستقبلها فلم يلبث حتى جاء غلام فقام عن يمينه قال فلم يلبث حتى جاءت امرأة فقامت خلفهما فرجع الشاب فرجع الغلام والمرأة ففرع الغلام والمرأة ففرع الشاب فوجدوا فسجدا معه فقلت يا عباس أمر عظيم فقال أمر عظيم أتدري من هذا فقلت لا قال هذا محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن أخي أتدري من هذا معه قلت لا قال هذا علي بن أبي طالب بن عبد المطلب بن أخي أتدري من هذه المرأة التي خلفهما قلت لا قال هذه خديجة بنت خويلد زوجة ابن أخي وهذا حدثني ابن ريك رب السماء أمرهم بهذا الذي تراهم عليه وأيم الله ما أعلم على ظهر الأرض كلها أحدا على هذا الدين غير هؤلاء الثلاثة (طبري، بی تا، ج ۲: ۴۶).

۴. جهاد تبیین دارای الزاماتی است که آن هم در سیره رسول خدا و آیات الهی آشکار گردیده است. اولین قسم از الزامات، اخلاقی است. قسم دوم الزامات عقلانی و قسم سوم الزامات بصیرتی و استدلالی است.
۵. از نتایج مهم این پژوهش تقسیم روش‌های جهاد تبیین به دوگانه جهاد تبیین دفاعی یا همان سلبی و تهاجمی یا همان ایجابی است. نتیجه‌ای که از این تقسیم گرفته می‌شود این است که در بسیاری از موارد با جهاد تبیین پیشگیرانه و پیش‌دستانه که به آن ایجابی گفته می‌شود، می‌توان حتی قوی‌تر از جهاد تبیین دفاعی عمل کرد و راه نفوذ دشمن را برای بروز جنگ‌های شناختی که عموماً با خلط بین حق و باطل و تاریک کردن فضا و گرد و غبار آلود کردن آن به شکل غیر مستقیم همراه است گرفت. البته در روش جهاد تبیین دفاعی نیز کارایی لازم برخوردار است، گرچه بستر آن پس از هجمه‌های شناختی دشمن است.
۶. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران، در مورد تمام معصومین علیهم السلام این مساله را مورد بررسی قرار دهند و جهاد تبیین ایشان را در مقابله با جنگ شناختی طواغیت زمان خویش بررسی نمایند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

منابع فارسی

۱. ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۹۷۹)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن هشام، عبدالملک بن هشام. (بی‌تا)، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه.
۳. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد. (بی‌تا)، العقد الفرید، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴. ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۳۷۶)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. احمد بن علی طبرسی. (۱۴۰۳)، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۶. آلوسی، سید محمود. (بی‌تا)، روح المعانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷. امام ششم، جعفر بن محمد. (۱۴۰۰)، مصباح الشریعه، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۸. افروز، غلامعلی. (۱۳۷۸)، چکیده‌ای از روانشناسی تربیتی کاربردی، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
۹. جمعی از نویسندگان. (۱۴۰۲)، حضرت خدیجه، همراه و همپای پیامبر، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. (بی‌تا)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر. (بی‌تا)، اساس البلاغه، قم: مؤسسه الامام الصادق.
۱۳. زحیلی، وهبه بن مصطفى. (بی‌تا)، التفسیر المنیر، دمشق: دارالفکر.
۱۴. سادات، شیماء، بررسی مفهومی و مصداقی مساله جهاد تبیین در سیره و تقریر انبیاء الهی با نظر به شواهد قرآنی (رساله کارشناسی ارشد)، بی‌جا، ۱۴۰۲.
۱۵. شیبانی، ابوعبدالله محمد بن حسن. (بی‌تا)، جمهره اللغة، بیروت: دارالعلم.
۱۶. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (بی‌تا)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب.

۱۷. طباطبایی، محمد حسین. (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طبری، محمد بن جریر. (بی‌تا)، تاریخ الطبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. عباسی مقدم، مصطفی. (۱۳۸۶)، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم: بوستان کتاب قم.
۲۰. عسکری، ابوهلال حسن بن علی. (بی‌تا)، الفروق اللغویه، قم: انتشارات اسلامی.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
۲۲. مجلسی، محمدباقر. (بی‌تا)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. مرادی، عباس، بررسی و تحلیل راهبرد جهاد تبیین در مقابله با جنگ شناختی دشمن از منظر آموزه های دینی (رساله کارشناسی ارشد)، بی‌جا، ۱۴۰۲.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳)، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا.
۲۵. Hervé Le Guyader. Cognitive Domain: A Sixth Domain of Operations. Bernard Claverie; Baptiste Prébot; Norbou Buchler; François du Cluzel. Cognitive Warfare: The Future of Cognitive Dominance, NATO Collaboration Support Office, pp.3, 1-5, 2022.
۲۶. Guyader, H. (2021). Le Domaine Cognitif de la Manipulation est Devenu un Terrain de Conflit. Paris (France): Le Monde, 6 May 2021
۲۷. کاوند، ندا، و محمدی‌مقدم، یوسف. (۱۴۰۱)، الگوی مفهومی جهاد تبیین از دیدگاه مقام معظم رهبری، مطالعات راهبردی بسیج، ۹۷، ش. ۲۵، صفحه ۸۴-۱۵۳.
۲۸. کرمی‌میرعزیزی، بیژن و دیگران. (۱۳۹۵)، معناشناسی واژه «جهاد» در قرآن کریم، سراج منیر (دانشگاه علامه طباطبایی)، ۲۳، ش. ۷، صفحه ۵۰-۱۲۹.
۲۹. معارف، مجید، فراهانی، فاخره، و میرزایی، مجتبی. (۱۳۹۵)، نقش شایعه در جنگ از نگاه قرآن، بصیرت و تربیت اسلامی، ۳۷، ش. ۱۳، صفحه ۱۹-۱.
۳۰. شهابی، علی‌اکبر. (۱۳۴۷)، روش مناظره و احتجاج امامان شیعه، نامه آستان قدس، ۳۸، ش. ۱، صفحه ۵-۲۴.